



برخلاف ادعای قبلی درباره بازطراحی رآکتور اراک توسط آمریکایی‌ها نوسازی به یک شرکت داخلی سپرده شد!

گول بازطراحی

صفحه ۲



یادداشت امروز

تورریست‌ها می‌آیند  
تورریست‌ها می‌روند

شروین طاهری

رجب اوغلین بیل احمغی...  
سونراتیفان پیشمغی...



با آنکه بخش زیادی از جمعیت ایران، زبان آذری را پاس می‌دارند اما باز هم ضوابط انتشار متنی در یک روزنامه سراسری این ضرورت را ایجاب می‌کند که فارسی را هم پاس بداریم و این جمله معترضه موزون آذری را به پارسی برگردانیم: یاد کاشتن رجب اوغلی... سپس توفان درو کردن او!..

احتمالا این جمله معترضه سلطان قلابی نوحثمانی را در کاخ سفیدش - آق ساری - متوحش می‌کند. قطعاً او که یک روز هیتلر را تمجید می‌کند و روز دیگر توسط داعشی‌ها تمجید می‌شود، از ارتباط فرهنگی ما و مردمش که با همکاری آمریکا و اسرائیل و سعودی و لولوی داعش به گروگان‌شان گرفته، وحشت دارد. واکنش‌های هیستریک رجب طیب‌اردوغان به افشاکگری رسانه‌های ایرانی از حمایت‌های پنهان و آشکارش از تروریسم و آتش‌افروزی بر کسی پوشیده نیست. همین هفته پیش بود که دولت آنکارا به نیابت از رئیس‌جمهور ترکیه به تهران به‌خاطر شریک دانستن اردوغان در جنایت اعدام شهید آیت‌الله نمر به دست سعودی‌ها شکوه کرده بود. اما چرا وقتی تابوی نوشتن از فساد و توسعه از سوی‌شان در کشورشان، قطع شریان پول کلان‌تی است که متأسفانه بسیاری از ما ایرانی‌ها برای تفریحات غیرضروری و خریدهای تجملاتی خود به خزانه رجب اوغلی می‌ریزیم تا با آن کتاف‌های تکفیری داعش، جبهه‌النصره و... را پروراند و به جان مردم ترکیه و همسایگانش ببیندازد. اسنادات موج توریست ایرانی به آنتالیه، ازمیر و استانبول بدون تردید با صادرات فوج تروریست‌ها از آنکارا نسبت مستقیم دارد و بر ماست که در این مورد تصمیمی تاریخی بگیریم. در حالی که پس از فاجعه منا تبلیغاتی کاملاً مغرضانه در شبکه‌های اجتماعی، ایرانی جماعت را از عمر مفبرده و حتی حج تمتع به پنهان ریخته شدن پول به جیب سعودی‌های وحشی باز می‌داشت، باید گفت ترکیه اردوغانی ۱۷۵ میلیارد دلار فقط از توریست‌های ایرانی درآمد دارد و این به جز سود کلان‌تر آن از ایران بابت تجارت چمدانی، قاچاق، صادرات پوشاک و کالاهای لوکس و گرفتن حق ترانزیت مایه ۵ تا ۵ میلیارد دلار نصیبی می‌کند، یعنی حدوداً ۴ برابر آمار رسمی درآمدزایی سعودی‌ها از همه حجاج ایرانی. حالا با لغو سفرهای عمره به عربستان این فاصله بسیار بیشتر هم شده است.

اما سه‌شنبه انفجار تروریستی بی‌سابقه در قلب استانبول فرصتی تاریخی بود برای اینکه هم ما و هم مردم ترکیه در احوالات خود تعمق کنیم. اگر ما در مقابل یک آزمون اقتصادی قرار گرفتیم، مساله ترکیه‌ها و کردهای ترکیه حیاتی است، چراکه استانبول قلب اقتصاد ترکیه شامل صنایع و تجارت و ترانزیت و بویژه صنعت گردشگری ۳۶ میلیارددلاری این کشور و سرانجام پایتخت سنتی و حقیقی جامعه آن است. حال صدای پای تروریست‌ها بلندتر از هر زمان دیگری در قلب ترکیه شنیده می‌شود و لاجرم توریست‌هایی می‌روند که مایه نجات زندگی دشوار ترک‌ها از دهه‌های واپسین قرن بیستم میلادی بودند. عملیات انتحاری یک زن آن هم در روز روشن در میدان احمد سلطان، قلب فعالیت‌های استانبول، با اینکه به اندازه کافی مهلک بوده و به جز کشتن ۱۱ نفر و زخمی کردن ۱۵ تن دیگر - شامل چندین توریست آلمانی - سراسر شهر را هم لرزاند است اما بیش از آن، اهمیتی نمادین دارد.

عملیات انتحاری یک زن آن هم در روز روشن در میدان احمد سلطان، قلب فعالیت‌های استانبول، با اینکه به اندازه کافی مهلک بوده و به جز کشتن ۱۱ نفر و زخمی کردن ۱۵ تن دیگر - شامل چندین توریست آلمانی - سراسر شهر را هم لرزاند است اما بیش از آن، اهمیتی نمادین دارد.

ادامه در صفحه ۵

۱۰ فنگدار آمریکایی دستگیر شده در آب‌های سرزمینی ایران در خلیج فارس با اربانی‌های دیپلماتیک رهاسازی شدند

خدا قوت به سپاه

صفحه ۲



زندهای زنده تا صبح محشر

و...

امام سرود این ترانه را تحسین می‌کند.

قطار انقلاب در حرکت است و این پویایی منافقان و دشمنان انقلاب را به هراس آورده است. زمین جهت دلس ترور به راه می‌افتد و می‌خواهد که انقلاب را ناکام بگذارد. بهشتی و ۷۲ تن از یارانش شهید می‌شوند. رجایی و باهنر را نیز منافقانه به شهادت می‌رسانند. شعر حمید اما زنده است:

هر دم از این رهگذار رهگذری می‌رود  
وز پی مردان مرد پی سپری می‌رود  
عرصه نگردد تهی گرچه ز همسنگران  
... راه رجایی به جاست، شور رهایی به پلست

گرچه زنام‌آوران، ناموری می‌رود  
بی‌هنران را بگو، گنج هنر زان ماست  
گرچه زملک هنر باهنری می‌رود  
جنگ و سال‌های دفاع مقدس برای حال اهل درد جور دیگری است. استاد حمید سبزواری اما برای فتح و ظفر دلیرمردان جبهه‌های حق علیه باطل، چه‌ها که نمی‌کند. «خجسته باد این پیروزی» را همه شنیده‌اند حتماً: «اگر مایه نابوری نباشد مثل این بود که به من الهام شده است. خرمشهر که با جنایت بعضی‌ها و جانفشانی رزمندگان «خونین‌شهر» نامیده می‌شد در تصرف بود، دلم می‌خواست از نزدیک، دل‌آوری‌های رزمندگان را شاهد باشم. به من گفتند رفتن به خرمشهر امکان‌پذیر نیست، و من شاعر که احساساتم خارج از اختیار بود اصرار داشتم، لذا پذیرفتند مرا تا نزدیک خرمشهر ببرند و به آبادان رفتم. در آنجا با خلق و خوی رزمندگان آشنا شدم و مطمئن شدم عزم و اراده آنها باعث پیروزی خواهد شد.

ای مجاهد شهید مظهر  
مرتضی را چون آیینه مظهر  
ای شهید ره حکمت و علم  
خون تو حافظ دین و دفتر ...  
خشم امت ز سوگ تو جوشید  
بی تو رهبر سیه جامه پوشید  
خود نمیری که مردن ترا نیست

ادامه در صفحه ۵

ای مجاهد ای مظهر شرف

پایه پای انقلاب، پایه پای مردم

شویم و شرایط را بشناسیم. امام (ره) مردم را به حرکت درآورد. ما نزد امام می‌رفتیم و دست ایشان را می‌بوسیدیم. ایشان آنقدر سلیم و افتاده بودند که کسی را از خود نمی‌رنجاندند، مگر کسی که دشمن خدا بود.»

انقلاب پیروز نشده است هنوز. شهید بهشتی حمید سبزواری را می‌بیند، شعری که برای «شهادت انقلاب» گفته را می‌شنود و در حالی که هنوز هیچ خبری از «۲۳ بهمن» و «جمهوری اسلامی» نیست، به استاد می‌گوید: «آقای حمید شعر برای جمهوری بگویید. به جدم ما پیروز خواهیم شد، شما، آقای حمید برای «جمهوری اسلامی» شعر بگویید.»

انقلاب می‌شود، مردم به جمهوری اسلامی رای می‌دهند و سبزواری هنوز پای کار انقلاب است. اهل دلی می‌گفت: سبزواری نگذاشت شعر، شرمنده یاران آخرالزمانی رسول‌الله(ص) شود. راست می‌گفت. هرچا انقلاب هست، حسین(ع) هست، خمینی(ره) هست، شعر سبزواری هم هست. شعر سبزواری شعر یاران انقلاب است. اردیبهشت ۵۸ که استاد شهید مطهری توسط گروهک فرقان شهید می‌شود، استاد سبزواری دست دل روی کاغذ می‌برد و می‌سراید:

ای مجاهد شهید مظهر  
مرتضی را چون آیینه مظهر  
ای شهید ره حکمت و علم  
خون تو حافظ دین و دفتر ...  
خشم امت ز سوگ تو جوشید  
بی تو رهبر سیه جامه پوشید  
خود نمیری که مردن ترا نیست

ای مجاهد ای مظهر شرف

پایه پای انقلاب، پایه پای مردم

نیست که شور برپا می‌کند. متولد ۱۳۰۴، شاعر زاده و اهل دل است. ۵۷، ۵۳ ساله است، اما آنقدر جوانانه مبارزه می‌کند که جوان‌ها شرمسارش می‌شوند. علیه جشن‌های ۲۵۰۰ ساله در سال‌های برطمطراق حکومت پهلوی قصیده می‌گوید:

ای ساز کرده قصه زال زر  
از دست داده دانش و کر و فرّ  
از دخمه برون به در آورده  
دندان گیو و جمجمه نوذر  
می‌بینمت به معر که چون ضحاک  
انگ نوا کوه آهنگر  
مردم ز بند رسته و بر بسته  
دست تو و قبیله تو یکسر...

پیش‌تر و بعد از ۲۸ مرداد به دلیل شعرهای سیاسی‌ای که سروده است، تحت فشار قرار می‌گیرد و به همین دلیل عزم مهاجرت به تهران می‌کند. چند دفعه استاد را در سبزواری بازداشت کرده بودند. حمید علاوه بر شعر و سرود، سخنرانی هم می‌کرد و به همین دلیل تحت تعقیب ساواک هم قرار می‌گیرد. خودش اینطور می‌گوید: «از مدت‌ها قبل از حادثه‌های انقلاب اسلامی شعر انقلابی‌گفتم، زمانی که صنعت نفت را ملی کردند، باز هم منافع دست بیگانه بود و ثروت مردم را می‌برند شعری گفتم با این مطلع «فت ملی وطن گرو رفته» البته نتوانستم این شعر را جایی چاپ کنم. آن زمان معلم بودم. به من خاتمه خدمت دادند و در مشهد محاکمه شدم.»

استاد یا به پای انقلاب آمده است، یا به پای امام: «امام(ره) در صدر انقلاب بود، من بارها گفتمام هرچند امام(ره) به امامت نرسیده، اما کارش کار امامانه بود. امام(ره) باعث شد ما گرد هم جمع

محمدرضا کردلو: حمید سبزواری

ادبیات

از کدام قصیده و غزل، از کدام ترانه و سرود، آغاز می‌شود؟ چه می‌دانیم ما اما می‌دانیم که سبزواری سال‌ها پیش‌تر از انقلاب، بیداری را در شعر آغاز کرده. انقلاب شروع نشده است که او آغاز کرده است. پیش از ۵۷ حال و هوای انقلاب دارد. در خود انقلاب کرده است و انگار می‌خواهد آنچه علیه ظلم در درونش می‌گذرد را جان ببخشد و فرآگیر کند. روشن‌فکرها به او طعنه می‌زنند، اما در جواب آنها چیزی نمی‌گوید. شعر می‌گوید و سرود و ترانه برای انقلاب.

«برای انقلاب» شعر می‌گوید نه «بعد از انقلاب». قافله‌سالار شعر متعهد، هنوز در سال ۴۲ است که «ای مجاهد، ای مظهر شرف/ ای گذشته ز جنان در ره هدف» را برای رهبر نهضت انقلابی مردم ایران می‌سراید. ۱۵ سال بعد وقتی این سرود را در فرودگاه برای امام(ره) می‌خوانند، سبزواری در ۳-۴ کیلومتری فرودگاه در میان غلغله جمعیت مانده است. امام آمده است. امام در فرودگاه است که می‌خوانند: «خمینی ای امام» را. امام به بهشت زهرا می‌رود. آنجا هم سبزواری انقلاب کرده: «برخیزید ای شهیدان راه خدا».

انقلاب امام پیروز می‌شود: این بانگ آزادی ست، کز خاوران خیزد / فریاد انسان‌هاست، کز نای جان خیزد / اعلام توفان‌هاست، کز هر کران خیزد / آتشفشان قهر ملت‌های در بند است / حیل المیتین توده‌های آرزومند است / الله اکبر، خمینی رهبر سبزواری به انقلاب جان داده، از انقلاب جان گرفته است. آنقدر انقلاب را فهمیده است که می‌داند نباید انقلاب را تنها گذاشت. انقلاب ادامه دارد و شعر حمید هم. شناسنامه روزهای انقلاب است. کمتر اتفاقی است که به انقلاب مربوط باشد و انعکاس آن در شعر استاد نباشد. حمید سبزواری همان روزها هم زیاد جوان

تیتراژهای امروز

شاخص آلودگی هوای عدد ۱۴۹ قرار گرفت

پایتخت در آستانه وضعیت قرمز



صفحه ۴

فتنه داعش دامان ترکیه را هم گرفت

تاوان ظلم اردوغان در شام

صفحه ۱۵

اوباما در نطق سالانه خود در کنگره:

ایران هسته‌ای عقب‌نشینی کرد

صفحه ۲

نفت اوپک به کانال ۲۵ دلاری قدم گذاشت

طلای سیاه بی ارزش شد

صفحه ۳

نگاه میهنان

تقصیر کیست؟

سید محسن میرشمسی: نه دولت روحانی، نه هواخواهان دولت و نه هیچ انسان منصفی نمی‌تواند کاسه کوزه بحران پیش آمده در روابط دیپلماتیک دولت و دومیونوی قطع رابطه کشورهای عربی با ایران را بر سر آن چند نفری که به غلط به سفارت عربستان ریختند، بشکنند! حمله به سفارت سعودی - که بی‌تردید اقدامی غلط و اشتباه بود - اگر نقش و سهم و تأثیری در سیاه‌بازی این روزهای عربستان و بحرین و امارات و سوئدان، و جیبوتی (!) و دیگر دنباله‌روهای آل سعود داشته باشد، نهایتاً ۱۰ درصد است! ۹۰ درصد بقیه معلول سیاست خارجی پشیدت منفعلانه است و دولت مجالی برای شانه خالی کردن از زیر بار این مسؤولیت ندارد و نمی‌تواند خود را از این بحران دیپلماتی که نشانه دیگری از به بن‌بست رسیدن سیاست خارجی به اصطلاح تعاملی و تنش‌زای دولت است، تبرئه کند! دولت روحانی هم در حادثه حمله به سفارت عربستان مقصر است و هم در گستاخ شدن حکام رژیم سعودی و رفتارهای منتج از این گستاخی و بی‌عقلی!

دولت در حادثه حمله به ساختمان سفارت سعودی از ۲ جهت دارای تقصیر است: از یک جهت قاصر است، چراکه به‌جای کنترل و هدایت صحیح خشم و غضب طبیعی منبعث از غیرت دینی و ملی مردم ایران در قبال گستاخی‌ها و خصومت‌افکنی‌های حکومت آل سعود، با واکنش‌های منفعلانه و غیرعزتمندانه‌اش، آتش خشم مردم را شعله‌ورتر کرد. جنبه و جهت دیگر قصور و کوتاهی دولت این است که امنیتی‌ترین دولت تاریخ جمهوری اسلامی ایران که هم رئیسش و هم خیلی از وزرا و مقاماتش سال‌ها سابقه امنیتی - اطلاعاتی داشته‌اند، نتوانسته است حادثه‌ای مثل حمله به سفارت عربستان را که به‌راحتی و حتی از سوی مردم عادی قابل پیش‌بینی بود، پیش‌بینی و از وقوع آن جلوگیری کند. دولت باید به این سوال مهم و اساسی پاسخ شفاف و روشن دهد که آیا شورای تأمین استان تهران که ریاست آن برعهده استاندار تهران است، پس از اعلام خبر اعدام آیت‌الله شهید نمر که کاسه صبر ملت ایران را بیش از پیش سرریز کرد، جلسه ویژه‌ای به‌منظور اتخاذ تدابیر لازم برای حفظ و تأمین امنیت سفارت عربستان که وظیفه ذاتی دولت است و نیازی به یادآوری آن به دولت در مواقع مختلف نیست، برگزار کرده است؟! ادامه در صفحه ۵



چهارمین سالگرد شهادت مصطفی احمدی روشن

پنجشنبه ۲۴ دیماه / بعد از نماز مغرب و عشاء / امامزاده علی اکبر (ع) چیدر

ادامه در صفحه ۵